



Intellectual and Social Contexts of Romanticism in France and Iran Based on Binavayan and Tehran-e Makhuf

Yahya Talebian 

Professor of Persian language and literature,
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Hadi Noormahmadi
Kamal  *

PhD graduate of Persian language and literature,
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Accepted: 22/05/2025

Abstract

Many pioneers of modern fiction writing in Iran, particularly during the Constitutional Revolution and the Reza Shah era, were influenced by the West, most notably France, and demonstrated inclinations toward the literary school of Romanticism. Tehran-e Makhuf represents one of the Iranian social novels shaped by French Romanticism, especially Victor Hugo's Binavayan. Since attention to the intellectual and social contexts of a literary work is a key approach in literary criticism, this article examines, on the one hand, the intellectual and social foundations of Romanticism in France and the social structures governing that society, and, on the other hand, the intellectual and social contexts of Iran during the same period and its prevailing social structures, in order to draw a comparative analysis. Based on this comparison, a reassessment of Tehran-e Makhuf through the fundamental components of Romanticism reveals that, due to the absence of an appropriate context, the novel was unable to remain faithful to the school of thought and did not advance beyond imitation.

Received: 30 /12/2024

ISSN: ----
eISSN: ----

Keywords: Romanticism, Social Structure, Binavayan, Tehran-e Makhuf.

* Corresponding Author: Atu.hadi69@gmail.com

How to Cite: Talebian, Y., Noormahmadi Kamal, H. (2025). Intellectual and Social Contexts of Romanticism in France and Iran Based on Binavayan and Tehran-e Makhuf, *Comparative and Interdisciplinary Studies of Literature*, 1(2), 187-212. DOI: 10.22054/CISL.2025.65106.1001



زمینه‌های فکری - اجتماعی رمانتیسیم در فرانسه و ایران بر مبنای روایت «بینوایان» و «تهران مخوف»

یحیی طالبیان

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

هادی نورمحمدی کمال *

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی،
تهران، ایران

چکیده

بسیاری از پیشگامان داستان‌نویسی نوین در ایران (در دوره مشروطه و دوره رضاشاه) به تأثیر از غرب و به‌ویژه فرانسه گرایش‌هایی به مکتب ادبی رمانتیسیم داشته‌اند. «تهران مخوف» یکی از رمان‌های اجتماعی ایران است که از رمانتیسیم فرانسه به‌ویژه «بینوایان» و یکتور هوگو متأثر بوده است. از آنجایی که توجه به زمینه‌های فکری - اجتماعی خلق یک اثر یکی از روش‌های مهم نقد ادبی است، در این مقاله از سویی به بررسی زمینه‌های فکری - اجتماعی رمانتیسیم در فرانسه و ساختار اجتماعی حاکم بر آن جامعه پرداخته شده و از سویی دیگر با نگاهی به زمینه‌های فکری - اجتماعی ایران دوره موردنظر و ساختار اجتماعی حاکم بر آن به مقایسه این دو کشور پرداخته شده است. به دنبال این مقایسه اگر بر مبنای مؤلفه‌های اساسی مکتب رمانتیسیم به بازبینی رمان «تهران مخوف» پردازیم، متوجه می‌شویم که به دلیل نبود بستر مناسب، این اثر به‌درستی نتوانسته است به این مکتب وفادار بماند و از حد تقلید فراتر نرفته است.

کلیدواژه‌ها: رمانتیسیم، ساختار اجتماعی، بینوایان، تهران مخوف.

۱. مقدمه

پیشگامان داستان‌نویسی نوین ایران از نویسندگان غربی تأثیر بسیاری گرفته‌اند. این تأثیرپذیری تا جایی است که به عقیده برخی از منتقدان بسیاری از رمان‌هایی که در دوره مشروطه و رضاخان نوشته شده است، جنبه‌ای تقلیدی داشته‌اند تا اینکه خلّاقانه باشند.^۱ در این پژوهش به دنبال بررسی این مسئله هستیم که چگونه رمانتیسیم در کشوری مثل فرانسه تحت تأثیر مدرنیته و ساختار اجتماعی آن کشور ایجاد شده است. به بیانی مفاهیم مطرح در جهان اجتماعی قرن نوزده فرانسه و همچنین ساختار اجتماعی و بستر فکری آن کشور چگونه باعث شده است که رمانتیسیم شکل بگیرد، گسترش یابد و آثار جاودانه‌ای خلق شود؟ در مقابل اگر نگاهی به رمان‌هایی بیندازیم که در دوره مشروطه و رضاخان به نگارش درآمده، متوجه می‌شویم که باوجود اینکه نویسندگان ما استعداد و آگاهی نسبی داشته‌اند، اساساً ساختار اجتماعی ایران شباهت چندانی به ساختار اجتماعی فرانسه قرن نوزدهم ندارد که خلق آثار رمانتیک در ایران نیز همان تأثیر و همان اهمیت را داشته باشد. به بیانی در این مقاله از مقایسه ساختار اجتماعی فرانسه و ایران به مقایسه رمانتیسیم در داستان‌نویسی این دو کشور رسیده‌ایم تا نشان دهیم که زمینه‌های فکری - اجتماعی و جهان‌بینی مسلط در یک جامعه تأثیر بسزایی در موفقیت یا عدم موفقیت یک مکتب ادبی دارد.

۱-۱. فرضیه‌های تحقیق

نخستین فرضیه ما این است که گرایش به رمانتیسیم در ایران بسیار متأثر از رمانتیسیم فرانسه بوده است.^۲

فرضیه دوم این است که تهران مخوف نه تنها تحت تأثیر رمانتیسیم هوگو و رمانتیک‌های فرانسوی بوده است، بلکه در این پیروی از حد تقلید فراتر رفته و نتوانسته است که متنی متناسب با فضای اجتماعی ایران خلق کند.

در نهایت مهم‌ترین فرضیه این مقاله این است که زمینه‌های فکری - اجتماعی خلق یک اثر تأثیر بسیار زیادی در موفقیت یا عدم موفقیت یک اثر ادبی دارد و با توجه به اینکه

بسیاری از نویسندگان ایرانی در این دوره توجه چندانی به این مسئله نداشته‌اند، آثارشان تقلیدی است و از نظر مؤلفه‌های مکاتب غربی موفقیتی کسب نکرده‌اند.

۲-۱. پیشینه پژوهش

«سیر رمانتیسم در اروپا، نوشته مسعود جعفری»: نویسنده در این کتاب به زمینه‌های رمانتیسم در اروپا به‌ویژه سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه پرداخته است؛ و در فصل‌های متفاوت سیر رمانتیسم را در هریک از این کشورها مورد بررسی قرار داده است.

«سیر رمانتیسم در ایران، نوشته مسعود جعفری»: به دنبال کتاب پیشین، نویسنده چگونگی توجه ایرانیان به رمانتیسم را مورد توجه قرار داده است. ابتدا به افرادی که در دوره مشروطه به رمانتیسم فرانسه توجه داشته‌اند، پرداخته، سپس به شاعرانی همچون نیما که به‌عنوان شاعری رمانتیک مشهورند، پرداخته است. در این دو کتاب به تأثیرپذیری نویسندگان ایرانی از رمانتیسم فرانسه بسیار گذرا اشاره شده و به‌خصوص در مورد مقایسه زمینه‌های رمانتیسم در این دو کشور و مقایسه «بینوایان» با «تهران مخوف» سخنی به میان نرفته است.

«ریشه‌های رمانتیسم، نوشته آیزایا برلین»: نویسنده در این کتاب طرح جامعی از چگونگی شکل‌گیری و علل پیدایش رمانتیسم در اروپا ارائه کرده است. برلین از دیدگاه فکری و فلسفی به بررسی زمینه‌های رمانتیسم در قرن هجده و ادامه آن در قرن نوزدهم می‌پردازد. در این کتاب نیز تمرکز نویسنده بر رمانتیسم آلمان و انگلیس است. وی به تبیین آراء متفکرانی همچون «هردر»، «کانت»، «شیلر» و «فیخته» پرداخته است و در مورد رمانتیسم در «بینوایان» بحث مستقلی مطرح نکرده است.

۳-۱. روش

در این مقاله برای بررسی زمینه‌های فکری - اجتماعی رمانتیسم در فرانسه و ایران از دیدگاه ماتریالیستی به مقایسه ساختار اجتماعی حاکم بر دو کشور پرداخته شده است. سپس دو کتاب «بینوایان» و «تهران مخوف» از لحاظ وفاداری به مؤلفه‌های رمانتیسم بررسی شده،

همچنین سازگاری یا عدم سازگاری و موفقیت یا عدم موفقیت این مؤلفه‌ها در جهان‌های اجتماعی دو کشور مورد بررسی قرار گرفته است. مبنای تمامی بحث‌ها داده‌های کتابخانه‌ای و ارجاع به دیدگاه‌های صاحب‌نظران و متون درجه اول است.

۲. مبانی نظری و اصطلاحات

۲-۱. ساختار فکری - اجتماعی ایران از گذشته تا دوره رضاخان:

بررسی مادی گرایانه تحولات سیاسی، اقتصادی و فکری - اجتماعی یک سرزمین با بهره‌گیری از منابع تاریخی را می‌توان به عنوان روشی مناسب برای آگاهی از بافت و بستر خلق یک اثر ادبی به شمار آورد.^۳ اگر بخواهیم مروری بسیار موجز و گذرا با دیدگاهی مادی گرایانه به تاریخ ایران داشته باشیم، سرزمینی که به نام ایران شناخته می‌شود از نظر جغرافیایی در موقعیتی قرار دارد که از دیرباز با کمبود آب مواجه بوده است. این کمبود یکی از دلایل اساسی زندگی ایلی (کوچ‌نشینی)، دوری روستاها و شهرها از هم و همچنین اهمیت تقسیم آب شده است (نک. زیباکلام، ۱۳۸۴: ۸۱-۸۳). این سه عارضه به عنوان عوامل بسیار تأثیرگذاری در شکل‌گیری نظام‌های پادشاهی و استبدادی در ایران بوده‌اند (نک. همان: ۹۵). بدین ترتیب یک سری عوامل جغرافیایی و طبیعی (ماتریالیستی) و از سویی دیگر عواملی ایدئولوژیک، همچون منشأ الهی داشتن قدرت پادشاهان (نک. اکشلال و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۹۶ و آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۶۶) باعث شده است که در تمامی دوره‌های تاریخی ایران، نظام پادشاهی مطلقه سلطه داشته باشد.

از سویی دیگر مردم ایران در دوره قاجار و تا اوایل دوره رضاخان اغلب بی‌سواد بودند. حتی دانش باسوادانِ اندک هم به سواد حوزوی محدود می‌شد (نک. زیباکلام، ۱۳۹۴: ۴۸). مجموعه این عوامل باعث می‌شد با وجود اینکه از دوره مشروطه مفاهیمی همچون دموکراسی در میان روشنفکران مطرح بود، بستر اجتماعی ایران به هیچ وجه آمادگی طرح چنین مسائلی را نداشته باشد و حتی تلاش‌های روشنفکران، ایجاد مدرسه و انتشار روزنامه و غیره تا مدت‌ها فقط جنبه پیش‌زمینه‌ای داشت و درصد بسیار ناچیزی از ایرانیان را با این مفاهیم آشنا می‌کرد.

تحولات فکری - اجتماعی و سیاسی اروپا پس از عصر رنسانس باعث پیشرفت چشم‌گیری در کشورهای اروپائی شد و با تغییر مناسبات بین‌المللی، ایرانیان نیز در دوره قاجار به فکر تغییر و تحول افتادند که منجر به مشروطه‌خواهی شد. هدف از طرح این مباحث این است که با مقایسه‌ی زمینه‌های فکری - اجتماعی و ساختاری دو کشور ایران و فرانسه بتوانیم مقایسه‌ای دقیق و علمی از چگونگی گرایش به رمانتیسم در داستان‌نویسی این دو کشور داشته باشیم.

۲-۲. تاریخ فرانسه و تحولات فکری - اجتماعی آن پیش از رمانتیک‌ها:

اگر از دیدگاه ماتریالیستی بنگریم، کشور فرانسه همچون بسیاری از کشورهای اروپایی به دلیل اینکه شرایط اقلیمی متفاوتی با ایران داشته و با توجه به نظریه «تضاد نیروهای تولیدی» مارکس و در نتیجه قدرت گرفتن گروه‌های مخالف در جامعه، مستلزم تداوم نظام استبدادی نبود. بر مبنای آنچه زیباکلام در مورد دیدگاه مارکس بیان می‌کند و شرایط ایران را با آنچه در اروپاست، متفاوت می‌داند (زیباکلام، ۱۳۸۴: ۹۸)؛ اما با نگاهی به تاریخ آن در می‌یابیم که مجموعه‌ای از عوامل باعث شده است که در این کشور هم در برخی از دوره‌ها نظام استبدادی و پادشاهی مطلقه بر سر کار باشد.

فرانسوی‌ها قبل از تسلط رومی‌ها و ورود مسیحیت، به عنوان نژاد گل شناخته می‌شدند. پس از دوره تسلط رومی‌ها و هجوم وایکینگ‌ها و مجارها، با ورود فرانک‌ها به این سرزمین، نام فرانسه از این دوره به یادگار مانده است. این کشور همچون سایر کشورهای اروپائی قرون وسطی را تجربه کرده و قدرت مطلقه کلیسا بر آن تسلط داشته است. پس از متلاشی شدن امپراتوری روم، مردم برای رسیدن به امنیت جانی و مالی حاضر بودند به خدمت یک زورمند محلی دربیایند و این امر شالوده نظام اجتماعی فئودالیسم را بنا نهاد.

«در قرون وسطی قدرت سیاسی پراکنده بود و بین فئودال‌های زمین‌دار، امپراتور و کلیسا تقسیم شده بود و پراکندگی قدرت از شکل‌گیری نظام‌های سیاسی استبدادی جلوگیری می‌کرد» (زهراکار، ۱۳۸۹: ۱۱۴). سپس «رشد تدریجی تجارت و بازرگانی باعث شد که در قرون دوازده و سیزده، زندگی شهری پس از سده‌ها رکود در حال احیا

باشد» (همان: ۱۱۹). در این دوره طبقه مرفهی از شهریان به نام بورژواها به وجود آمدند. این طبقه نقش مهمی در تحولات بعدی اروپا به‌ویژه آغاز مدرنیته داشتند (همان: ۱۱۹). «از قرن دوازدهم به بعد بر تعداد مردم باسواد و تحصیل کرده به علت رشد شهرها افزوده گردید» (همان: ۱۴۵). در قرن هفدهم و هجدهم رشد ثروت بورژواها آن‌ها را به طبقه اقتصادی و اجتماعی مهمی تبدیل کرد، اما از اقدامات سیاسی و مشاغل مهم محروم بودند؛ بنابراین بورژواها در این دوره جهت کسب قدرت سیاسی، طبقه‌ای انقلابی محسوب می‌شدند (نک: همان: ۱۷۶).

مطلب مهم دیگر این است که به‌هرروی چه در دوره‌های اوج قدرت فرانسوی‌ها در اروپا و چه در زمان ضعفشان، فرانسه یکی از کشورهای مهم اروپا بود و مستقیماً در جریان عصر رنسانس و به دنبال آن صنعتی شدن قرار گرفت و بازهم می‌توان گفت که ناگزیر تحت تأثیر پیشرفت صنعت چاپ، بخش اعظمی از مردم این کشور به‌مرور باسواد شدند و به‌تبع آن آگاهی‌های جمعی افزایش یافت و مردم عادی بیش‌ازپیش در جریان امور قرار می‌گرفتند و از سود و زیان خود آگاهی می‌یافتند.

از آغاز مدرنیته که تقریباً هم‌زمان با گرایش‌های رمانتیستی هم هست، می‌توان به‌عنوان دوره گذار فرانسه یاد کرد:

«بدیهی است که اگر در اواخر قرن هجدهم، طبقه متوسط در جوامع اروپایی برتری نیافته بود، اشرافیت ریشه‌دار و قدیمی انگیزه چندانی برای دست کشیدن از گرایش جمال‌شناختی کهن خود نداشت» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۶۰).

درواقع، رمانتیسم ویژگی این دوره گذار محسوب می‌شود. ظهور رمانتیسم هم‌زمان است با فروپاشی نظم کهن، وقوع انقلاب صنعتی، رشد شهرنشینی، رشد طبقه متوسط، گسترش سوادآموزی و تحولات دیگری که همگی پدیده‌های «نو» و بی‌سابقه‌اند و انسان کلاسیک با آن‌ها مانوس نبوده است (همان: ۱۶۰).

نکته مهم دیگری که در پایان این مطلب قابل ذکر است، این است که اساساً رمانتیسم زائیده شرایطی بود که تحت تأثیر ایجاد طبقه متوسط قرار داشت و اگر این طبقه متوسط

جدید نبود، مفاهیم مربوط به اشرافیت به راحتی در قالب کلاسیک قابل بیان بود و نیازی به تغییر مکتب وجود نداشت.

۲-۳. رمانتیسم ویکتور هوگو و کتاب «بینوایان»:

ویکتور ماری هوگو (۱۸۰۲ - ۱۸۸۵) شاعر، داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس بزرگ فرانسوی و یکی از بزرگ‌ترین رمانتیک‌های جهان است. «در دوران کودکی او امپراتوری ناپلئون سقوط کرده بود و در عصر «بازگشت سلطنت» نیز هنوز جوان بود، هنوز جای مشخص خود را در اجتماع نیافته بود و در مرزهای بورژوازی بی‌مال و مکتب و اشراف بی لقب و عنوان نگران ایستاده بود» (مجلسی، ۱۳۹۰: دو). آثار وی به بسیاری از اندیشه‌های سیاسی و هنری رایج در زمان خویش اشاره کرده و بازگوکننده تاریخ معاصر فرانسه است. او ابتدا سلطنت طلب بود، اما از دهه ۱۸۳۰ به آزادی خواهان پیوست (نک. مستعان، ۱۳۶۳: ۳۴ و ۳۸). در دهه ۱۸۴۰ فعالیت‌های سیاسی داشت و به خاطرش مدتی طولانی تبعید شد.

۲-۳-۱. مختصری در مورد رمانتیسم در فرانسه:

برای رمانتیسم سه دوره برشمرده‌اند: ۱- دوره تکوین و آغاز که نماینده‌اش روسو بود. ۲- دوره گسترش و بسط رمانتیسم. نمایندگان مهم آن شاتوبریان و دوموسه بودند. ۳- دوره سوم؛ سال‌های اواسط قرن نوزده به عنوان سال‌های پایانی رمانتیسم است که به رئالیسم نزدیک می‌شود. نمونه بارز آن «بینوایان» هوگوست (نک. احمری، ۱۳۷۴: ۶۲).

رمانتیسم در مرحله سوم ادبی، دورانی است که درواقع یک صبغه و ویژگی اجتماعی پیدا می‌کند و با مسائل اجتماعی مرتبط می‌شود و نسبت به وقایع سیاسی و اجتماعی حساس می‌گردد. [...] شخصیت‌هایی که در آثار دوره سوم رمانتیسم مطرح می‌شوند، در زندگی عینی و اجتماعی درگیر هستند. فقر و بی‌عدالتی و نابرابری را می‌بینند. انقلاب‌ها را حس می‌کنند و حتی با آن همدردی نشان می‌دهند. در اعتراض‌های اجتماعی شریک و سهم می‌شوند و شخصیتی زمینی‌تر، عینی‌تر، ملموس‌تر و کاراکنتری ادبی‌تر پیدا می‌کنند (همان: ۶۳).

«رمانتیسم فرانسه در حدود سال‌های ۱۸۴۰ با گسترش وسیع‌تر جامعه جدید، رشد صنعت، بحران‌های کارگری و اجتماعی و ... بیشتر به مسائل اجتماعی گرایید» (جعفری، ۱۳۷۸: ۲۶۵).

نخستین پرسش ما این است: اگر بخواهیم به دنبال مؤلفه‌های اساسی و مهم مکتب رمانتیسم در آثار ویکتور هوگو باشیم، چه چیزهایی را مشاهده خواهیم کرد؟

۳. یافته‌ها

۳-۱. اصول رمانتیسم و بازتاب آن در «بینوایان»

۳-۱-۱. احساسات گرایی

احساسات گرایی در نیمه دوم قرن هجدهم مبنایی فلسفی داشت. «عقل گرایی چندان بی‌پروا پیش تاخت که حس و شعور آدمی، آن‌چنان که در این گونه موارد پیش می‌آید، آن را چون دیواری رودرروی خود دید و به ناچار کوشید تا گریزگاه‌هایی دیگر بیابد» (برلین، ۱۳۸۵: ۸۷). «در فرانسه واکنش احساس گرایانه پس از عصر روشنگری، در نیمه دوم قرن هجدهم، در آراء و آثار ژان ژاک روسو [۱۷۷۸ - ۱۷۱۲] به خوبی قابل مشاهده است» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۱۷).

در بخشی از مجادله اسقف «دینی» با کنوانسیونل مادی گرامی می‌توانیم تا حدودی به این نتیجه برسیم که هوگو با بیان آن جهان‌بینی از زبان عضو سابق کنوانسیون و عدم مخالفت اسقف و تحسین نگرش مادی گرایانه، در عمل می‌خواهد نشان دهد که در نهایت این اخلاق و احساس است که باعث شده است در جامعه‌ای که عقل حاکم است روزنه نوری برای رنج دیدگان قابل مشاهده باشد و این مسئله به مرور در تمامی رفتارهای اسقف دینی قابل درک و مشاهده است (نک. هوگو، ۱۳۹۰: ۴۶ - ۶۷).

هوگو در معرفی شخصیت اسقف دینی در بینوایان، بیش از هر چیزی رفتارها و تصمیمات وی را بر مبنای نوعی منطق دلی پایه‌گذاری می‌کند. به تعبیری شاید بتوان گفت که سخت‌گیری‌ها و قوانین خشک و بی‌انعطافی که در جاهای مختلف این رمان موجب

رنج شخصیت‌ها و حتی گاهی موجب گمراهی و طرد آن‌ها از اجتماع می‌شود، نمایانگر همان تسلط خردگرایی باشد و نگرشی که راوی در تحلیل چنین شرایطی دارد عکس‌العملی احساسی و خردستیز محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال هوگو در جایی دیگر در معرفی شخصیت ژان والژان و بیان چگونگی به زندان افتادن او به خاطر دزدین یک تکه نان بیان می‌کند: «وانگهی جرم او که خود به آن معترف بود، مستوجب چنان مجازات سنگین و وحشیانه‌ای نبود» (هوگو، ۱۳۹۰: ۱۶۸). «آیا جامعه بشری حق دارد که کوته‌اندیشی‌های نامعقول و دوراندیشی‌های بی‌رحمانه‌اش را به افراد خود تحمیل کند و جرم ناچیز انسان مفلوک و بیچاره‌ای را با چنان مجازات سنگینی پاسخ گوید؟» (همان: ۱۶۹)

هرچند نباید در بینوایان به دنبال آن مدل از احساسات‌گرایی خردستیز گشت، اما هم نمونه‌هایی از احساسات‌گرایی رمانتیک‌های پیشین و هم نمونه‌هایی از خردستیزی را به‌صورت جداگانه در این اثر می‌توان مشاهده کرد. نمونه بارز گرایش هوگو به احساسات در جایی است که در بینوایان در توصیف بدبختی‌ها و رنج‌های «فانتین» روایت را تا جایی پیش می‌برد که این شخصیت از بیچارگی ابتدا مجبور می‌شود موهایش را بفروشد. سپس دو دندان زیبای خود را به خاطر نجات جان دخترش به دوره گرد حيله‌گری تسلیم می‌کند و درنهایت، جبر زندگی فانتین را تا جایی پیش می‌برد که به تن فروشی می‌رسد. در همین قسمت از داستان است که راوی این شخصیت مظلوم را در مقابل اشراف‌زاده و ژاور قرار می‌دهد و به کمک شخصیت اصلی دیگر (ژان والژان) به مبارزه با این ساختار اجتماعی معیوب می‌پردازد (نک. هوگو، ۱۳۹۰: ۳۸۶).

۳-۱-۲. فردگرایی

یکی از ویژگی‌های «انسان رمانتیک» فردیت اوست. به تعبیر جونز «مهم‌ترین عنصری که رمانتیسم به جهان مدرن هدیه داده این است که هر موجود انسانی از یک هویت ممتاز و خاص برخوردار است» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۹۰). فردگرایی پیش از هوگو و در دوره روسو

مورد توجه قرار گرفت. «تقریباً در این نکته اتفاق نظر وجود دارد که روسو بزرگ‌ترین کاشف خودآگاهی نسبت به تنهایی و انزوای فردی است» (همان: ۱۹۰). کشف خود به عنوان فاعل شناسا «یکی از عمده‌ترین دستاوردهای رمانتیسم و پایه و مبنای جمال‌شناسی جدید است» (همان: ۱۹۱) و «مهم‌ترین زمینه اجتماعی ظهور این فردگرایی، در هم ریختن نظم و سامان کهن جامعه و پیدایش تقسیم کار و تحولات اقتصادی است» (همان: ۱۹۱)، بحثی که مختص به جامعه مدرن غرب است؛ و هوگو در بخشی از داستان بینوایان به شکلی نمادین به تغییر این نظام کهن اجتماعی اشاره می‌کند (نک. هوگو، ۱۳۹۰: ۲۷۵).

می‌توان گفت ژان والژان در بینوایان بیانگر تقابل فردیت با جامعه مدنی است. باریه در تعریف مدرنیته سیاسی می‌گوید: «مدرنیته سیاسی به طور بسیار دقیق بر جدایی میان دولت سیاسی و جامعه مدنی، میان پهنه عمومی و پهنه خصوصی و میان شهروند و فرد استوار است» (باریه، ۱۳۸۳: ۱۹). اگر به شخصیت‌های اصلی بینوایان دقت کنیم؛ به عنوان مثال ژان والژان، فانتین یا تناردیه هر کدام افرادی هستند از طبقه متوسط و پائین جامعه. افرادی که هوگو در عصر خود هر روزه با امثال آن‌ها برخورد داشته است. وقتی نویسنده‌ای شخصیت‌هایش را از میان افراد عادی جامعه انتخاب می‌کند؛ یعنی از آن نگرش کلاسیک و سنتی نسبت به شخصیت داستانی عبور کرده است. این خود گام بزرگی است در فردیت بخشیدن به انسان مدرن.

فرد باوری در جهان مدرن به قدری دارای اهمیت است که توجه به آن به عنوان یکی از گام‌های بزرگ در راه رسیدن به دموکراسی مطرح است. «پدران ما واژه فردباوری را که ما برای استفاده خود ساخته‌ایم، نمی‌شناختند، زیرا در روزگار آنان فردی که به گروهی تعلق نداشته باشد یا بتواند خود را به طور مطلق تنها بشمرد، یافت نمی‌شد» (همان: ۱۹۵).

۳-۱-۳. قهرمان رمانتیک

«قهرمان رمانتیک فردی است که دغدغه‌های فردی خود را با روح «عصر» درهم آمیخته است و مظهر امید دوران برای رهایی از وضع موجود و رسیدن به وضع آرمانی محسوب

می‌شود» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۹۳). به تبعیت از مبحث فردگرایی، قهرمان رمانتیک کسی است که به تنهایی در مقابل اجتماع ایستاده و برای زندگی جدال می‌کند. در آثار کلاسیک قهرمان‌ها جنبه‌ای کمال‌گرا دارند و معمولاً از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردارند؛ اما در رمانتیسیم نویسنده به سراغ قهرمان‌هایی می‌رود که خود بخشی از افراد عادی جامعه هستند و هیچ ویژگی منحصر به فردی ندارد. به تعبیری قهرمان رمانتیک معرف اکثریت رنج‌دیده جامعه است.

«در عصر رمانتیک اوج گرفتن فردیت و درهم ریختن نظام کهن زمینه را برای قهرمان گرایی آماده می‌کند؛ اصولاً این عصر دوره تجربه قهرمانی است» (همان: ۱۹۴). در بینوایان قهرمان اصلی یعنی ژان والژان، خود از طبقه فرودست و رنج‌کشیده جامعه است که حتی سواد هم ندارد و خواندن و نوشتن را در زندان می‌آموزد. همین‌طور فانتین و دخترش کوزت همگی از طبقه محروم و رنج‌کشیده جامعه هستند که به نوعی در تقابل با جامعه یا به تعبیری دیگر در موقعیتی هستند که جامعه در مقابل آن‌ها قرار گرفته است. این چیزی است که بحث فردگرایی و قهرمان رمانتیک را باهم پیوند می‌زند.

۳- ۱- ۴. انقلاب

مهم‌ترین دلبستگی‌ها و دغدغه‌های رمانتیک‌های اجتماعی را «می‌توان چنین برشمرد: انقلاب، آزادی و ناسیونالیسم محرومان و رنج‌هایشان» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۷۴).

اگر بخواهیم به زمینه‌های انقلاب‌های فکری اروپا و فرانسه توجه کنیم باید بگوییم مباحثی از قبیل تغییر قدرت و سلطنت انتخابی و ایستادن در مقابل قدرت مطلقه زمینه‌های بسیار طولانی در تاریخ فرانسه دارد (نک. طباطبایی، ۱۳۸۲: ۳۴۲-۳۴۴). این مباحث که از قرن ۱۵ میلادی در اروپا مطرح شد، در تاریخ اروپا زمینه مهمی برای پیدایش نظام‌های دموکراتیکی است. چیزی که در قرن نوزده و بیست تنها نشانه‌هایی از آن در میان روشن‌فکران ایران بر سر زبان‌ها افتاد. بحث مهمی که نباید از آن چشم پوشید بحث بستر اجتماعی این نوع تفکرات است. یکی از دلایل مهم اینکه نظریه پردازان سیاسی همچون کوزانوس و کالون در سده‌های ۱۴ تا ۱۶ نتوانستند حکومت دموکراتیک را توصیه کنند

(نک. همان: ۲۸۵، ۳۴۲ و ۳۷۲) یکی سیطرهٔ دین بود و دیگری بی‌سوادی عوام، زیرا یکی از اساسی‌ترین لوازم حکومت دموکراتیک داشتن مردمی آگاه است. چیزی که در ایران عصر مشروطه، نشانه‌ای از آن وجود نداشت. مهم‌ترین دلیل موفقیت اروپایی‌ها در دموکراسی آگاهی از این زمینه‌ها بود و مهم‌ترین دلیل شکست ایرانیان نیز بی‌توجهی به همین بستر.

به عقیدهٔ جعفری «رمانتیک‌های اجتماعی با شور و حرارت خارق‌العاده‌ای با تحولات انقلابی زمان خود همدلی و همراهی کرده‌اند. انقلاب فرانسه که درواقع، محصول مشترک خود روشنگری و آرمان رمانتیسم محسوب می‌شود در سرتاسر اروپا از جانب رمانتیک‌ها همچون رستاخیزی عظیم تلقی گردید که با شعار «آزادی، برابری، برادری» نظام کهن را ویران می‌کند تا نظام اجتماعی نوینی را بنا نهد» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۷۴).

هوگو در نامه‌ای که به «سنت بو» در ایام جوانی نوشته بیان می‌دارد که هنوز زمان حکومت جمهوری فرا نرسیده است (هوگو، ۱۳۶۳: ۴۰)؛ اما در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم همان‌طور که او پیش‌بینی کرده بود، زمان دستیابی به دموکراسی فرا رسیده بود و گرایش‌های آزادی‌خواهانه را می‌توان از مفاهیم مورد تأکید وی در بینوایان دانست.

۳-۱-۵. محرومان و رنج دیدگان

هوگو بارها به این مسئله که احقاق حقوق ضعفا از هر اعتقادی مهم‌تر است، پرداخته است. هرچند اساساً نیازی به ذکر مثال نیست، چرا که عنوان کتاب برای همین گروه انتخاب شده و سراسر رمان نیز توصیف رنج‌ها و دردهای بینوایان جامعه‌ای است که مدرنیسم را تجربه می‌کند. این کتاب توصیفی از جامعه‌ای صنعتی شده و در مسیر پیشرفت است که به‌جای اینکه در خدمت انسان‌ها و به‌خصوص محرومین باشد، استخوان‌های اقشار ضعیف را در زیر چرخ خود خرد می‌کند.

در بخشی از بینوایان در بحثی که بین عضو سابق کنوانسیون و اسقف دینی ایجاد می‌شود، به دنبال جدال‌ها و اظهارنظرهای اعتقادی و سیاسی مهم‌ترین مسئله‌ای که از دیدگاه راوی اهمیت دارد این است که سعادت بشر و احقاق حقوق ضعفا از هر اعتقادی

مهم‌تر است. تا جایی که اگر ستیزی در راه این احقاق حق، بین دین و قدرت حاکم و بینوایان در بگیرد، وی جانب رنج دیدگان را می‌گیرد (نک. هوگو، ۱۳۹۰: ۸۱-۹۲).

۳-۲. اصول رمانتیسیم و بازتاب آن در «تهران مخوف»

مرتضی مشفق کاظمی (۱۲۸۱-۱۳۵۶) نویسنده و روزنامه‌نگار و از پیشگامان رمان اجتماعی در ایران است. برخی تهران مخوف او را اولین رمان اجتماعی ایران دانسته‌اند که نویسندگان بسیاری از جمله محمد مسعود تحت تأثیر او بوده‌اند. رمان «تهران مخوف» از دیدگاه مکاتب ادبی به عنوان رمانی رمانتیک شناخته شده است. اهمیت این کتاب از نظر توصیف اوضاع سیاسی - اجتماعی روزگار پیش از رضاخان و دوره قدرت گیری او بسیار حائز اهمیت است. با وجود همه این ویژگی‌ها ما به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا با بررسی این کتاب به عنوان نمونه‌ای از آثار رمانتیک می‌توان آن را به عنوان اثری موفق به حساب آورد یا نه؟

پیش از اینکه به سنجش وفاداری «تهران مخوف» به اصول مکتب رمانتیسیم بپردازیم، لازم است که از دیدگاهی کلی‌تر به مکتب رمانتیسیم بنگریم و این پرسش را مطرح کنیم که آیا اساساً مکتب رمانتیسیم در جهان سوم و کشوری مثل ایران جایگاهی دارد یا خیر؟ برخی از منتقدان از جمله خانلری و شریعتی بر این عقیده هستند که مکاتب ادبی غربی جامه‌ای است که تنها بر قامت آن جوامع دوخته شده است و هیچ مناسبتی با جهان اجتماعی کشورهای جهان سومی مثل ایران ندارد و عده‌ای نیز بر این عقیده هستند که نهایتاً می‌توان جنبه‌هایی از آن مکاتب را در آثار ایرانی یافت (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۲). جعفری تا حدودی دیدگاهی مخالف خانلری و شریعتی اتخاذ کرده و معتقد است رمانتیسیم یعنی ضدیت با سرمایه‌داری و اگر این چنین مسئله‌ای در جوامع جهان‌سومی وجود داشته باشد، می‌توان گفت که رمانتیسیم هم در آن جوامع حضور دارد (جعفری، ۱۳۷۸: ۳۵۸)؛ اما باید در نظر داشت که علاوه بر ضدیت با سرمایه‌داری عوامل دیگری هم در گرایش به رمانتیسیم دخیل است؛ به عنوان مثال زهراکار رشد ناسیونالیسم، رفاه و خودآگاهی فزاینده

طبقه متوسط و افزایش باسوادان را از عوامل مهم گرایش به رمانتیسم ذکر کرده است (زهراکار، ۱۳۸۹: ۱۶۱).

اگر نگاهی به تاریخ نگارش «تهران مخوف» بیندازیم، متوجه می‌شویم باوجود اینکه برخی از روشنفکران ایرانی با این مفاهیم آشنایی دارند و حتی به دنبال ایجاد زمینه‌هایی برای شکوفایی چنین مفاهیمی هستند؛ اما در عمل ایران ۱۳۰۰ شمسی (۱۹۲۰ میلادی) به هیچ وجه قابل مقایسه با فرانسه ۱۸۰۰ میلادی نیست. با توجه به این توضیحات می‌توان ادعا کرد که این مکاتب هیچ سازگاری با جهان اجتماعی کشوری مثل ایران ندارند و تنها می‌توان به دنبال شباهت‌هایی بین این آثار و آثار اصیل خلق شده در آن مکاتب یافت که آن‌هم بیش از هر چیزی جنبه‌ای تقلیدی داشته است تا اینکه مبنایی فکری و فلسفی داشته باشد.

به هر روی گرایش به رمانتیسم در ایران امری غیرقابل انکار است. به عقیده آدامیت «ملی‌گرایی» و «دموکراسی» از جمله عوامل گرایش ایرانیان به رمانتیسم است که تحت تأثیر ادبیات فرانسه بود (نک. ۱۳۹۴: ۱۷). جعفری معتقد است نگارش بسیاری از رمان‌های تاریخی و توجه به رمانتیسم اجتماعی در دوره مشروطه و پس از آن تحت تأثیر اندیشه‌های آزادی خواهانه و انقلابی و توجه به محرومان در فرانسه بوده که در آثار رمانتیک بازتاب داشته است (نک. جعفری، ۱۳۸۶: ۳۴ و ۴۱). در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که گرایش به رمانتیسم در ایران بیش از هر چیز دیگری تحت تأثیر جریانات فکری - اجتماعی و ادبی فرانسه بوده است.

تهران مخوف را می‌توان از چند جنبه بررسی کرد. در اینجا از مؤلفه‌هایی همچون «احساسات گرایی»، «فرد گرایی» و «قهرمان رمانتیک» و توجه به «رنج دیدگان» اجتماع برای سنجش این اثر از نظر مکتب ادبی رمانتیسم بهره گرفته‌ایم.

۳-۲-۱. احساسات گرایی

یکی از ویژگی‌های اصلی رمانتیسم دوره اول احساسات گرایی است که ژان ژاک روسو نماینده آن است (نک. احمری، ۱۳۷۴: ۶۲)؛ اما در آثار دوره سوم به ویژه بینوایان هم

می‌توان این گرایش را یافت. در ایران نیز نمونه‌های بسیاری می‌توان یافت که به جنبه‌ی احساساتی رمانتیسم توجه داشتند. یوسف اعتصام‌الملک اولین مترجم بینوایان (تیره بختان) از نخستین افرادی است که به قطعه‌های ادبی رمانتیک و احساسی توجه داشت. «قدیم‌ترین نمونه‌های قطعه‌های داستانی رمانتیک و پراحساس را در شماره‌های سال اول مجله‌ی بهار به مدیریت اعتصام‌الملک می‌توان مشاهده کرد» (جعفری، ۱۳۸۶: ۵۱). داستان کوتاه یا قطعه‌ی روایی «همشیره» «مضمون فقر و فضیلت و عفت و فداکاری را به شیوه‌ی صریح و پراحساس و جانبدارانه بازگو می‌کند» (همان: ۵۱). نمونه‌ی دیگر «بیچاره مادر» نوشته‌ی احمد حکمت است که آن‌هم در مجله‌ی بهار منتشر شد (همان: ۵۳).

هرچند جعفری رمانتیسم دوره‌ی اول (دوره‌ی مشروطه) را که شامل موارد فوق‌الذکر هم می‌شود طبیعی‌تر و خودجوش‌تر می‌داند و براین عقیده است که هنوز به سبک و شیوه تقلیل نیافته و نسبت به رمان‌های بعدی غیراحساسی است (همان: ۳۰)؛ اما در اغلب آثار رمانتیک این دوره و دوره‌ی رضاخان احساسات‌گرایی یکی از مشخصه‌های اصلی داستان‌ها و رمان‌هاست. در تهران مخوف هم گرایش‌های احساسی جابه‌جا به چشم می‌خورد. وفاداری و عفت قهرمانان رمان‌های رمانتیک از دیگر ویژگی‌های رمان احساساتی است (همان: ۴۸) که در تهران مخوف نمونه‌های بارز آن «فرخ» و «عفت» هستند.

به عقیده‌ی جعفری مضمون اصلی بیشتر رمان‌های احساساتی قرن هجدهم «فضیلت تحت ستم» است (همان: ۷۷). در تهران مخوف شخصیت اصلی داستان یعنی فرخ باوجود پاک‌نهادی دچار رنج بسیاری می‌شود و همچنین عفت که دختر معصومی است، از بد روزگار و سرنوشت شوم از روسپی‌خانه سردرمی‌آورد. پیش از هرچیزی باید توجه داشت که مبنای احساسات‌گرایی رمانتیسم چه بود؟ «عصر احساس از یک‌جهت، عکس‌العملی طبیعی بر علیه عصر خرد و ارج‌گذاری بیش‌ازحد خردگرایان به آگاهی بود» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۱۴).

در معرفی بینوایان نمونه‌هایی از خردستیزی هوگو را بیان کردیم. اگر به ساختار اجتماعی دوره‌ی خلق تهران مخوف بازگردیم، متوجه می‌شویم ایران پیش از رضاخان اساساً

عصر خردی را پشت سر گذاشته است که احساسات گرایی به عنوان جدالی با این جهان‌بینی و فلسفه اجتماعی به پا خاسته باشد. به عقیده برخی «آخوندزاده» با «ولتر» مقایسه شده است (نک. جعفری، ۱۳۸۶: ۳۲)، اما باید در نظر داشت که افرادی همچون آخوندزاده و ملکم خان تنها طرح‌هایی از روشنگری را برای ایرانیان ترسیم کردند و حتی دهه‌ها بعد تنها برخی از نویسندگان و تحصیل‌کردگان غرب توانستند این نوع تفکر را بفهمند و بدان گرایش داشته باشند و این بسیار فاصله دارد با آن چیزی که به عنوان مثال در کشوری مثل آلمان یا فرانسه تجربه می‌شد. به نحوی که این نوع تفکرات در میان جامعه و اقشار متوسط و کم‌سواد هم حامیان پروپاقرصی داشت و می‌شد از آن به عنوان تفکر اجتماعی مسلطی یاد کرد که در دوره رمانتیک‌ها بدان حمله شد.

اکنون ببینیم علل پیدایش چنین دگرگونی حساسیت افراد در نیمه دوم قرن هجدهم چه بود؟ البته ذکر تمامی این علل دشوار است، لکن باید آن را معلول پیشرفت تمدن به طور کلی و صدها عامل و موجبات اقتصادی و سیاسی دانست، چنین تحولی بی‌شک نتیجه قهری کهولت تمدنی است که از درشتی به نرمی و حساسیت گرائیده و در پی مجادلات بسیار، پس از آنکه عقل را بر تخت شاهی نشانده، دل را نیز حقوقی از جمله آزادی بخشید تا نهفته‌های خویش را ابراز دارد (وان تیزم، ۱۳۷۰: ۱۲).

«ازلحاظ فکری در ایران آستانه مشروطه چیزی وجود ندارد که قابل مقایسه با میراث عظیم روشنگری باشد» (همان: ۳۱)؛ بنابراین احساسات گرایی رمانتیک‌ها در ایران مبنایی اندیشگانی نداشته و تا حد زیادی به شکلی تقلیدی و متأثر از آثار رمانتیک‌های اروپایی و به ویژه فرانسوی بوده است.

۳-۲-۲. فردگرایی و قهرمان رمانتیک:

به گفته دورکیم: «آرمان‌های فردگرایی مبین پیدایش نوع جدیدی از نظم اجتماعی هستند که به نحو فزاینده‌ای از قالب‌های سنتی جامعه که محافظه‌کاران از آن‌ها دفاع می‌کنند فراتر خواهد رفت» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۹۱). همان‌طور که بیان شد اساساً ساختار اجتماعی ایران در دوره موردنظر تغییری اساسی را پشت سر نگذاشت. با وجود مشروطه‌خواهی که آن‌هم

به شکست انجامید، اساساً جامعه‌ی ایرانی نتوانست دوره‌ی سنتی را پشت سر بگذارد و تقریباً تمامی مفاهیمی که در مورد جهان مدرن و نو شدن مطرح بود در حد تئوری باقی ماند.

یکی از ویژگی‌های «انسان رمانتیک» فردیت اوست. به تعبیر جونز «مهم‌ترین عنصری که رمانتیسم به جهان مدرن هدیه داده این است که هر موجود انسانی از یک هویت ممتاز و خاص برخوردار است» (همان: ۱۹۰). در مقابل این دیدگاه باید متذکر شد که جهان اسلام با مدرنیته‌ی سیاسی (که فردیت مهم‌ترین مشخصه‌ی آن است) ناآشناست؛ زیرا دین اسلام به شدت به بعد اجتماعی خود اهمیت می‌دهد (نک. باریه، ۱۳۸۳: ۳۲۶).

دین اسلام دارای الزامات اجتماعی و سیاسی است و بر طبق فرمول کلاسیک هم دین است و هم دولت (به عربی دین و دوله) در نتیجه امت دینی می‌خواهد بر باهمستان سیاسی منطبق شود. پیداست که تبعیت فرد از امت دینی به‌طور طبیعی فرمان برداریش از باهمستان سیاسی را در پی دارد. به دیگر سخن تقدم و برتری گروه بر فرد هم در پهنه‌ی سیاسی خود می‌نماید و هم در پهنه‌ی دینی (همان: ۳۲۸).

مشفق کاظمی اساساً با شخصیت‌پردازی مدرن آشنا نیست و این یکی از بزرگ‌ترین معایب این کتاب است (نک. میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۷۹). به علاوه در خصوص فردیت شخصیت‌های تهران مخوف باید گفت که شخصیت‌های اصلی این رمان، یعنی فرخ، مهین و عفت همگی از خانواده‌هایی اشرافی هستند (نک. همان: ۵۷) و این کاملاً مباین با آن شخصیت‌پردازی جدید در رمانتیسم است. «پدران ما واژه‌ی فردباوری را که ما برای استفاده‌ی خود ساخته‌ایم نمی‌شناختند؛ زیرا در روزگار آنان فردی که به گروهی تعلق نداشته باشد یا بتواند خود را به‌طور مطلق تنها بشمرد، یافت نمی‌شد». توکویل بر این باور است که حرکت به‌سوی برابری و دموکراسی، این فردباوری را پدید آورده است: «فردباوری خاستگاهی دموکراتیک دارد و به نسبتی که موقعیت‌ها برابر می‌شوند خطر گسترش آن افزایش می‌یابد» (باریه، ۱۳۸۳: ۱۹۵).

این ضعف در شخصیت‌پردازی به‌ویژه در معرفی قهرمان‌های داستان جلوه‌ی نامطلوبی دارد. در بحث قهرمان رمانتیک گفته شد که با توجه به فردگرایی و تغییر ساختار اجتماعی

فرانسه، قهرمان‌ها از میان طبقات پائین جامعه بودند، اما در تهران مخوف باوجود اینکه نویسنده سعی دارد به بطن جامعه نفوذ کند و آن فردگرایی را در توصیف قهرمان به کار گیرد، به دلیل نبود زمینه‌های اجتماعی، موفق عمل نکرده است. به نحوی که حتی ناخودآگاه همچون قصه‌گویان سنتی از قهرمان اصلی داستان (فرخ) بارها با عنوان «پهلوان حکایت» نام می‌برد (نک. مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۱۹۰ و ۲۶۷). این قهرمانان برخلاف قهرمان رمانتیک به‌ویژه قهرمانان بینوایان تک‌بعدی هستند (کاملاً خوب یا کاملاً بد) (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۶۰). به نحوی که در بخشی از رمان علناً در معرفی همین شخصیت به‌عنوان کسی که از «صفات برجسته» و «مزایای اخلاقی» برخوردار است، یاد می‌کند (نک. مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۲۲).

در بینوایان از وجود کارخانه‌ها و کارگرهای کارخانه‌ها و صنعتی شدن سخن به میان می‌آید و بیشترین حجم این داستان مختص توصیف این گونه از زندگی و چالش‌های مربوط به این سبک از زندگی است. به نحوی که تقریباً تمامی شخصیت‌های ستم‌دیده این رمان قربانی مدرنیته و صنعتی شدن هستند، اما در تهران مخوف تنها نشانه‌هایی از فساد، در گوشه شهری که نه کارخانه‌ای دارد و نه نشانه‌ای از صنعت و مدرنیته، دیده می‌شود که به تقلید کوشیده است تا شخصیت‌هایی مشابه شخصیت‌های بینوایان بسازد.

همین‌طور محمد مسعود از کسانی که دنباله‌رو مشفق کاظمی است، به‌خصوص در رمان *تفریحات شب* بسیار متأثر از بینوایان است و شخصیت‌های اصلی داستان بی‌شک از بخش فانتین بینوایان الگوبرداری شده است. در رمان *تفریحات شب* همچون رمان *تهران مخوف* یکی از بن‌مایه‌های اساسی داستان فضیلت تحت ستم است که نویسنده بارها بدان اشاره می‌کند (نک. مسعود، ۱۳۸۴: ۴۱ و ۴۳). حتی به نحو بارزتری رمان *گل‌هایی که در جهنم می‌رویند* عنوانی است که این بن‌مایه را مستقیماً ابراز می‌دارد. در *تهران مخوف* هم نویسنده سعی دارد به این بُعد از قهرمان پردازی بینوایان توجه داشته باشد؛ اما از تقلیدی کودکانه و پندهایی مبتدیانه نمی‌تواند فراتر رود. «کم‌کم معتقد می‌شد که در جامعه

امروزی فرد نیک‌خواه و نیک‌رفتار سرنوشتی جز تحمل ظلم و ستم ندارد» (مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۱۸۷).

۳-۲-۳. انقلاب و ناسیونالیسم

همان‌طور که ذکر شد، مهم‌ترین دل‌بستگی‌ها و دغدغه‌های رمانتیک‌های اجتماعی را «می‌توان چنین برشمرد: - انقلاب، آزادی و ناسیونالیسم، - محرومان و رنج‌هایشان، - افق روشن آینده» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۷۴). شعارهای رمانتیک انقلاب فرانسه در رمانتیسیم دوره اول ایران (دوره مشروطه) تأثیر بسیاری داشت. به‌عنوان مثال؛ «بر روی آرم صفحه اول چندین نشریه این دوران از جمله روزنامه تشویق و صور اسرافیل عبارت «حریت، مساوات، اخوت» نقش‌بسته‌است» (جعفری، ۱۳۸۶: ۳۴).

انقلاب فرانسه به تدریج مرزهای اروپا را درنوردید و در سراسر جهان تأثیر نهاد. این انقلاب نخستین نهضت بزرگ فکری در مسیحیت غربی است که اثری ملموس و واقعی و فوری بر جهان اسلام داشت. در نیمه دوم قرن نوزدهم و با الهام از انقلاب فرانسه کلمه «وطن» در ترکیه عثمانی به تدریج معنای جدید و امروزی خود را پیدا کرد و از دلالت بر زادگاه یا محل اقامت افراد فراتر رفت و همچنین کلمه «آزادی» که قبلاً لفظی حقوقی و متضاد با «بردگی» بود معنایی سیاسی به خود گرفت (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۷۶).

مفهوم وطن و میهن که پیش از مشروطه به تدریج شکل گرفت به نوعی ناسیونالیسم رمانتیک تبدیل می‌شود. به تعبیری ناسیونالیسم رمانتیک همان شیفتگی به گذشته ایران است (نک. جعفری، ۱۳۸۶: ۴۴). اساساً نمونه‌های بسیاری از رمان‌ها و رمانس‌های تاریخی عصر مشروطه تحت تأثیر رمانتیسیم فرانسه به نگارش درآمد (همان: ۴۱)، اما بازهم نباید از تقلیدی بودن این ناسیونالیسم غافل شد. در تهران مخوف نویسنده سعی دارد بر مفهوم ملیت و وطن‌پرستی تکیه کند. در جایی از داستان راوی از زبان یک شخصیت مذموم به نحوی کاملاً مستقیم بیان می‌کند که ملی‌گرایی و توجه به قومیت معادل است با پابندی به سنت‌ها (مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۳۱۷) و بسیار روشن است که بیان این گونه مطالب از زبان

شخصیتی مذموم در جهت انتقاد از چنین نگرشی است و این در حالی است که نویسنده، خود در حقیقت امر از صحت چنین واقعیت تلخی غافل مانده است.

۳-۲-۴. محرومان و رنج‌هایشان:

«رمانتیک‌ها فرد ستم‌دیده و محروم را قربانی نظام اجتماعی می‌دانند و حتی جنایتکاران نیز از حمایت و شفقت رمانتیک‌ها برخوردار می‌شوند؛ زیرا اینان خود قربانیانی هستند که تباهی‌های اجتماعی مانع ظهور و بروز فضیلت‌های ذاتی‌شان شده است». «در بینش رمانتیک اگر قیدوبندهای اجتماعی از سر راه این گونه افراد برداشته شود و به راه درست هدایت شوند، چه بسا افرادی شرافتمند و پاک‌نهاد و بلندهمت باشند» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۸۰) که نمونه بارزش شخصیت‌های اصلی در بینوایان است. البته باید در نظر داشت که شرایط ایران دوره موردنظر با فرانسه دوره هوگو بسیار متفاوت بود. به عنوان مثال؛ همان‌طور که ذکر شد تحت تأثیر مدرنیته و خردگرایی و تسلط قانون خشک و سخت‌گیرانه شخصیت‌های اصلی بینوایان به‌ویژه ژان والژان زندگی نکبت‌باری را تجربه می‌کردند، اما در ایران اساساً نه چنین چیزی وجود داشت و نه می‌شد حتی به صورتی تخیلی چنین اجتماعی را تصور کرد. وقتی هوگو از پیامدهای مدرنیته در فرانسه سخن می‌گوید این امر دامن‌گیر بخش اعظمی از مردم فرانسه است، اما در ایران عصر مشروطه، به‌هیچ‌وجه چنین چیزی قابل تصور نیست؛ بنابراین در ایران درصد بسیار محدودتری درگیر این مسائل هستند و طبیعی است که انتظار نداشته باشیم آثار نویسندگان ما همچون آثار هوگو طرفدار پیدا کند و به عنوان یک مکتب فکری موردقبول واقع شود و در جامعه تأثیر آن‌چنانی داشته باشد.

به بیان دیگر، سخن نویسندگان ما حرف دل عده بسیار معدودی از رنج‌کشیدگان کل جامعه است نه همه آن‌ها. درصد بسیار بالایی از مردم در این نوع رمانتیسم از قلم‌افتاده و نادیده گرفته شده‌اند. این امر یکی از دلایل اصلی اثبات این ادعاست که این آثار کاملاً تقلیدی بوده و زمینه فکری - اجتماعی آن در ایران مهیا نبوده است.

مشفق کاظمی در بخش‌هایی از رمان از ساختار حاکم انتقاد می‌کند و به مفاهیمی همچون دموکراسی و حکومت مردم بر مردم می‌پردازد (نک. مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۱۶۶).

و ۱۳۴۰: ۲۶۲) و این امر جنبه‌ای بیسار تقلیدی دارد؛ زیرا هیچ بستری برای تحقق این آرمان وجود ندارد. البته نمونه‌هایی از توجه به مسائل اساسی که قشر رنجبران با آن درگیر هستند نیز مطرح شده است. به عنوان مثال؛ نویسنده بارها از قدرت حاکم و نظام استبدادی و همچنین سوءاستفاده از دین انتقاد می‌کند و بارها به خرافاتی که در جامعه موج می‌زند و موجب بسیاری از بدبختی‌هاست اشاره می‌کند (نک. مشفق کاظمی، ۱۳۴۰: ۸۷، ۱۶۴، ۱۸۱، ۲۴۴ و ۲۵۷)، اما این تنها به عنوان گام کوچکی در این راه است و اشاره‌ای گذرا و کم‌ارزش در مقابل آنچه به عنوان مثال در آثار صادق هدایت در نقد خرافه گرایی به نگارش درآمده است.

کتاب بینوایان «دادخواستی است برای بینوایان که از بینوایی رنج می‌برند و بینوایی بی‌آبرویشان کرده است که از رساترین حنجره این روزگار برآمده است» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۸۰). در مقابل آنچه ما در تهران مخوف شاهد آن هستیم، سخن از رنج دیدگانی است که به هیچ وجه نماینده اکثریت جامعه نیستند و صرفاً شخصیت‌های خیالی هستند که به تقلید از غرب ساخته و پرداخته شده‌اند تا از رنج‌هایی خیالی و فانتزی سخن به میان آورند. مفاهیمی که تنها مخاطبان آن درصد بسیار ناچیزی از باسوادان اندک جامعه هستند که با جهان غرب اندک آشنایی دارند. این اثر به هیچ وجه روایتگر آمال رنج دیدگان حقیقی این جامعه نیست. به همین دلیل در تحقق اهداف خود ناموفق است. اگرچه به عنوان تمرینی در راه ورود به رمان‌نویسی نوین کمک شایانی به نویسندگان بعدی کرده است.

پی‌نوشت:

۱. ر.ک: میرعابدینی، *صدسال داستان‌نویسی ایران*. (ج ۱ و ۲). صفحات ۷۳، ۷۹ و ۸۹.
۲. در خصوص تأثیرپذیری نویسندگان ایرانی از رماتیک‌های فرانسوی و ویکتور هوگو ر.ک: محمدعلی سپانلو، *نویسندگان پیشرو ایران*. صفحه ۵۸ و میرعابدینی، *صدسال داستان‌نویسی ایران*، صفحه ۵۴.
۳. عباراتی چون آسیاب بادی زائیده جامعه فئودالی بود و ماشین بخار زائیده جامعه صنعتی. انقلاب‌های اجتماعی ناشی از وجود فقر و نابرابری اجتماعی هستند. شیوه معیشت

تعیین‌کننده نظام بادیه‌نشینی است. بیانگر تبیین مادی‌گرایانه از جامعه، تاریخ و تحولات و تغییرات مربوط به آن‌ها هستند (غفاری، ۴۴).

نتیجه‌گیری

بررسی زمینه‌های فکری - اجتماعی خلق یک اثر ادبی از دیرباز مورد توجه منتقدان بوده است. توجه به رمانتیسم و گسترش آن در میان نویسندگان و شاعران پس از دوره مشروطه تحت تأثیر عواملی بوده که توجه چندانی به آن‌ها نشده است؛ و تنها در برخی از کتاب‌های نقد به گرایش‌های رمانتیکی نویسندگانی مثل مشفق کاظمی اشاره شده است. این مقاله با مقایسه ساختار اجتماعی دو کشور فرانسه و ایران به دنبال تبیین این مسئله بود که اساساً ساختار اجتماعی فرانسه با رواج رمانتیسم در آن کشور مناسبت فکری - اجتماعی داشته است؛ اما وقتی در کشوری مثل ایران گرایش‌هایی به رمانتیسم ایجاد می‌شود، نمی‌توان بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی این کشور موفقیت چنین مکتبی را پذیرفت. با توجه به مباحث مطرح‌شده، این نتیجه حاصل شد که در خصوص رمان‌هایی همچون *تهران مخوف* اگرچه می‌توان شباهت‌هایی با آثار رمانتیک فرانسه یافت؛ اما در مجموع خلق این آثار به تقلیدی کودکانه می‌ماند که هیچ‌یک از زمینه‌های خلق اثر رمانتیک را ندارند و صرفاً تحت تأثیر آشنایی با آثار رمانتیک فرانسه نوشته شده است و با وجود اینکه از نظر محتوایی و پیشگام بودن در داستان‌نویسی دارای اهمیت هستند، از نظر موفقیت در مکتب ادبی موردنظر به هیچ وجه قابل دفاع نیستند.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی ندارند.

منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۹۷). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه‌ی احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۹۴). *فکر آزادی و مقدمه‌ی نهضت مشروطیت*. تهران: گستره.
- احمری، حمیدرضا. (۱۳۷۴). «هوگو و رمانتیسزم». *مجله‌ی مشرق*. شماره ۵ صص ۶۲ - ۶۴.
- اکلشال، رابرت و دیگران. (۱۳۷۵). *مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی*، ترجمه‌ی محمد قائد. تهران: نشر مرکز.
- باربیه، موریس. (۱۳۸۳). *مدرنیته‌ی سیاسی*. ترجمه‌ی عبدالوهاب احمدی. تهران: آگه.
- برلین، آیزایا. (۱۳۸۵). *ریشه‌های رمانتیسزم*. ترجمه‌ی عبدالله کوثری. تهران: نشر ماهی.
- جعفری، مسعود. (۱۳۸۶). *سیررمانتیسزم در ایران از مشروطه تا نیما*. تهران: مرکز.
- جعفری، مسعود. (۱۳۷۸). *سیررمانتیسزم در اروپا*. تهران: مرکز.
- زهراکار، مهران. (۱۳۸۹). *مقایسه‌ی ریشه‌های اجتماعی انقلاب مشروطه در ایران و انقلاب کبیر فرانسه*. تهران: آبگین رایان.
- زیباکلام، صادق. (۱۳۸۴). *ما چگونه ما شدیم*. تهران: انتشارات روزنه.
- زیباکلام، صادق. (۱۳۹۴). *سنت و مدرنیته*. تهران: روزنه.
- سپانلو، محمدعلی. (۱۳۷۴). *نویسندگان پیشرو ایران*. تهران: انتشارات نگاه.
- طباطبایی، جواد. (۱۳۸۲). *تاریخ اندیشه‌ی سیاسی جدید در اروپا*. تهران: آگه.
- غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی*. تهران: آگرا.
- مسعود، محمد. (۱۳۸۴). *تفریحات شب*. تهران: تلاونگ.
- مشفق کاظمی، مرتضی. (۱۳۴۰). *تهران مخوف*. تهران: ابن سینا.
- مشفق کاظمی، مرتضی. (۱۳۴۰). *یادگار یک شب*. تهران: ابن سینا.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۷۷). *صدسال داستان‌نویسی ایران*. (ج ۱ و ۲). تهران: چشمه.
- وان تیژم، فیلیپ. (۱۳۷۰). *رمانتیسزم در فرانسه*. ترجمه‌ی غلامعلی سیار. تهران: بزرگمهر.

هوگو، ویکتور. (۱۳۶۳). *بینوایان*. ترجمه حسینقلی مستعان. تهران: امیر کبیر.

هوگو، ویکتور. (۱۳۹۰). *بینوایان*. ترجمه محمد مجلسی. تهران: نشر دنیای نو.

References

- Abrahamian, E. (2018). *Iran between two revolutions* (A. Golmohammadi & M. E. Fattahi, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney.
- Adamiyat, F. (2015). *The idea of freedom and the prelude to the constitutional movement*. Tehran: Gostareh.
- Ahmari, H. (1995). Hugo and romanticism. *Mashreq Journal*, (5), 62–64.
- Eccleshall, R., et al. (1996). *Political ideologies: An introduction* (M. Ghaed, Trans.). Tehran: Nashr-e Markaz.
- Barbier, M. (2004). *Political modernity* (A. Ahmadi, Trans.). Tehran: Agah.
- Berlin, I. (2006). *The roots of romanticism* (A. Kowsari, Trans.). Tehran: Nashr-e Mahi.
- Jafari, M. (2007). *The course of romanticism in Iran: From the Constitutional Revolution to Nima*. Tehran: Markaz.
- Jafari, M. (1999). *The course of romanticism in Europe*. Tehran: Markaz.
- Zahrakar, M. (2010). *A comparison of the social roots of the Iranian Constitutional Revolution and the French Revolution*. Tehran: Abgin Rayan.
- Zibakalam, S. (2005). *How did we become who we are?* Tehran: Rozaneh.
- Zibakalam, S. (2015). *Tradition and modernity*. Tehran: Rozaneh.
- Sepanlou, M. A. (1995). *Iran's progressive writers*. Tehran: Negah.
- Tabatabaei, J. (2003). *The history of modern political thought in Europe*. Tehran: Agah.
- Ghaffari, G., & Ebrahimi Looieh, A. (2010). *Sociology of social change*. Tehran: Agra.
- Masoud, M. (2005). *Nightly amusements*. Tehran: Talavang.
- Moshfegh Kazemi, M. (1961a). *Tehran-e makhuf [The terrifying Tehran]*. Tehran: Ibn Sina.
- Moshfegh Kazemi, M. (1961b). *Yadegār-e yek shab [A memory of one night]*. Tehran: Ibn Sina.
- Mirabedini, H. (1998). *One hundred years of Iranian fiction* (Vols. 1–2). Tehran: Cheshmeh.
- Van Tieghem, P. (1991). *Romanticism in France* (G. Sayyar, Trans.). Tehran: Bozorgmehr.

- Hugo, V. (1984). *Les misérables* (H. Q. Mosta'an, Trans.). Tehran: Amir Kabir.
- Hugo, V. (2011). *Les misérables* (M. Majlesi, Trans.). Tehran: Donyaye Now.

استناد به این مقاله: طالبیان، یحیی، نورمحمدی کمال، هادی. (۱۴۰۴). زمینه‌های فکری - اجتماعی رمانتیسیم در فرانسه و ایران بر مبنای روایت «بینوایان» و «تهران مخوف»، دو فصلنامه‌ی مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای ادبیات،

DOI: 10.22054/CISL.2025.65106.1001 .۲۱۲-۱۸۷، (۲)۱



Comparative and Interdisciplinary Studies of Literature licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.